عنوان:

اراده مقاومت در مصاف زنجیره تحریف و تحریم

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | b-218 |
| رده | بصیرتی/تحلیل/تحلیل ها/حوادث و وقایع |
| برچسب | جریان تحریم، جریان تحریف، مقاومت |
| توضیحات |  |

مقدمه

آیت‌الله خامنه‌ای در عید قربان امسال (۹۹/۵/۱۰)، ضمن طرح مسئله‌ی تحریم‌های ظالمانه نظام سلطه جهانی علیه ملت ایران، بحث تحریف را پیش کشیده و اینگونه بیان کردند که تحریم با خود تحریف را به همراه می آورد: «به موازات تحریم -این را درست توجّه کنید- یک جریان تحریف هم هست». به عقیده‌ی ایشان ناکامی کنش تحریف به شکست تحریم منجر می‌شود: «و من به شما بگویم که اگر جریان تحریف شکست بخورد، جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد». ایشان در این گفتار تلازمی میان پروژه سیاسی تحریم و کنش تحریف برقرار کرده است و مبتنی بر آن، به این نتیجه رسیده‌اند که شکست تحریف منجر به شکست تحریم می‌شود. مسلماً چنین تفطنی حاصل تجربه‌‌ی سیاسی عمیق ولی‌فقیه است و کمتر کسی متوجه چنین تلازمی می‌شود. کنش‌گری‌هایی مانند تحریف، تهمت، افتراء و دروغ و تحریم و غیره ذیل اقدامات دشمن تعریف می‌شود و از این جهت تلازمی میان آنها وجود دارد و نمی‌توان آن را انکار کرد. لکن تصویر چنین تلازمی میان برخی اقدامات واضح است و میان برخی دیگر به فطانت و هوشمندی نیاز دارد که بدون برخورداری از تجربه‌ی سیاسی عمیق به دست نمی‌آید. چنانکه فهم تلازم میان دروغ و تهمت یا میان تهمت و افتراء چندان دشوار نیست ولی فهم تلازم میان تحریم و تحریف به تأمل و درک عمیق سیاسی نیاز دارد. از این رو، مسئله‌ی این گفتار تصویر علمی تلازم میان تحریم و تحریف است. چگونه است که پروژه‌ی تحریم یک ملت از سوی دشمن به کنش تحریف نیاز پیدا می‌کند؟ چرا شکست تحریف منجر به شکست پروژه‌ی تحریم می‌شود؟ در اینجا، به اجمال، توضیحی درباره‌ی تحریف ارایه می‌شود سپس به بیان چگونگی تلازم میان تحریم و تحریف پرداخته می‌شود.

چیستی تحریف

کتابهای لغت فارسی، تحریف را به «تغییر دادن، تبدیل کردن و گردانیدن کلام کسی از وضع و طرز و حالت اصلی خود؛ و نیز به بعضی حروف کلمه را عوض کردن و تغییر دادن معنی آن» معنا کرده‌اند. اما این واژه از کلمه حرف در زبان عربی مشتق شده است. تحریف، مصدر باب تفعیل، از «حرف» است. حرف، کنار و جانب یک شیء است. به لبه و تیزی شِیء گفته می‌شود مانند حرف السیف (لبه شمشیر) یا حرف السفینه (نوک یا دماغه کشتی) یا حرف الجَبل (قلّه کوه) است و تحریف الشیء به معنای کج و مایل کردن چیزی از حالت خودش است (نک: راغب اصفهانی، المفردات، ماده حرف). بر این اساس، تحریف در معنای اصطلاحی عبارت از باز گرداندن و متمایل کردن و تغییر دادن و کناره‌گیری کردن از طرف و جای و حالت اصلی هر چیزی را گویند. هر چیزی حالات و جهات و اطراف مختلفی دارد ولی از میان آنها فقط یک طرف و جهت و حالت شیء، اصلی است و باقی آنها فرعی بلکه غیر واقعی است. یک چیز نمی‌تواند چند طرف اصلی داشته باشد. اگر کسی قصد رفتن به کنار ساحل دریا را دارد و این دریا در جهت شمالی او قرار دارد؛ طرف اصلیِ مقصد او شمال است و رفتن به سمت جهات دیگر، کناره گیری از جهت اصلی و بلکه منحرف شدن ودور شدن از آن است. پس، کارکرد یا نتیجه تحریف در هر امری، کناره گیری و دور شدن از سمت و سوی اصلی و طبیعی آن امر است.

جریان تحریف

وقتی تحریف، اعم از صورت کمینه و بیشینه آن، به ضدیت با متن یا شیء تعریف شود -چون عامل انحراف و کناره گیری از طرف اصلی متن است-؛ کنشگر تحریف هم دشمن آن متن شناخته می‌شود. بدیهی است که هیچ دوستی دست به اقدامات ستیزه جویانه و ضدیت با متن نمیزند. تمام همت مشفقانه دوست در جهت سوق دادن و حفظ انسان و متن در مسیر اصلی و طبیعی او است. دوست تلاش می کند که انسان از هدف اصلی خود دور نشود و یا اگر از طرف اصلی فاصله گرفته یا کناره گیری کرده است، او را به مسیر و طرف اصلی باز گرداند. اما دشمن می کوشد از طریق تحریف، انسان را از مسیر و حالت اصلی خود دور کند و به سمت و سویی هدایت می کند که منجر به تباهی او می‌شود. دشمن از طریق تحریف با متن ضدیت می ورزد. بطور کلی خانواده وارونه گویی و وارونه سازی از ابزارهای اساسی دشمن است. بر همین اساس، می توان گفت که دشمن نسبت به متن، هیچگونه رویکرد اصلاحی ندارد و هرچه هست رویکرد تخریبی است. زیرا تحریف ضد اصلاح گری است.

ماهیت نرم افزاری تحریف

تحریف کاملاً ماهیت نرم افزارانه دارد و از جنس سخت افزاری نیست. چنین نیست که در عالم خارج مسیرهای اصلی و فرعی جابجا شود. بلکه تلقی ذهنیت‌ها نسبت به طرف و مسیر و جهت اصلی از طریق تفسیر و تعبیرهای غلط و آدرس دادن‌های نادرست و شبیه‌سازی‌ها و تمثیلات ناروا و دروغ پردازی و مخدوش کردن‌های متن، تغییر می‌کند. کارکرد تحریف آن است که ذهنیت‌ها از مسیر و هدف اصلی منحرف شود و از آن کناره‌گیری کند و بلکه علیه آن موضع بگیرد. پس، تحریف از آنجا که با ذهنیت‌ها کار دارد، کنشی فرهنگی-رسانه‌ای است و بالطبع ماهیت نرم افزاری دارد. یعنی توسط صاحبان قلم و کسانی که کار فکری می‌کنند و نیز توسط جماعتی از صاحبان و اصحاب رسانه انجام می‌شود. نباید برای شناسایی عوامل تحریف‌گر، کارگزار و مراکز سخت‌افزاری را تعقیب کرد. بلکه باید عوامل فرهنگی و فکری را که کارشان جابجایی و تغییر ذهنیت‌ها است، نشانه‌گذاری کرد. رسانه در تمام اشکال مختلف آن، ساز و کاری برای توزیع و پخش تحریفات تولید شده است. بنابراین، رسانه بعد از اصحاب تولید کننده تحریفات، مهم‌ترین کانون نشر تحریفات است. برخی از اصحاب فکر و رسانه ممکن است به پایگاهی برای تولید و نشر تحریفات تبدیل شوند. از این رو، باید برای ردیابی و آسیب شناسی و مقابله با مسئله‌ی تحریف، همواره اینگونه عناصر را رصد کرد و کارشان را مورد تحلیل علمی قرار داد و دقیقاً معلوم کرد که تحریفات آنان ناظر به کدام مسیر و جهت‌گیری اصلی است و کدام طرفهای فرعی یا کاذب را جایگزین آن کرده‌اند.

علاوه بر این، برای مقابله با تحریف، صرف کار رصدی کافی نیست. این کار بخشی از کار مقابله است. بخش مهم‌تر آن مربوط به همان ذهنیت‌هایی است که تحت تأثیر تحریفات واقع شده‌اند یا در معرض اثرپذیری قرار دارند. اینگونه ذهنیت‌ها به روشنگری های زیادی نیاز دارند. باید همواره برای آنها معلوم ساخت که مسیر و طرف اصلی کدام است و در چه موضع و موقعیتی از آن قرار دارند و چگونه میتوان از کژ روی‌ها فاصله گرفت و در مسیر اصلی قرار گرفت و به راه صحیح خود ادامه داد.

تلازم تحریم و تحریف

هیچ دوست مشفقی در پی محروم ساختن دوست خود از ادامه حیات مادی و معنوی نیست. دوست واقعی تمام تلاش خود را می‌کند که دوست و هم صحبتش مانند او در سعادت و بهروزی قرار گیرد. او تلاش نمی‌کند که خواسته‌هایش را بر همسایه تحمیل کند بلکه به او کمک می‌کند تا در مسیر اصلی حرکت کند. دوست مشفق هیچگاه مانع رشد و پیشرفت نمی‌شود. تحریم راهی نیست که دوست مشفق برای تعامل با همسایگان خود انتخاب کند. پس، اگر قدرتی در تعامل با یک ملت، راه تحریم را بر می گزیند و از تدبیر تحریم های فلج کننده سخن می گوید؛ قهری است که آن قدرت تحریم کننده دشمن ملت تحریم شده است. تنها دشمن ملت است که از تدبیر تحریم سخن می گوید و به آن عمل می کند.

اما این تحریم در چه حالت و موضعی اتفاق می افتد؟ وقتی ملتی اراده‌اش در مسیر و طرفی سامان یافته است که با اراده و خواسته‌های قدرت سلطه‌گر و مستبد سازگاری نداشته باشد و با آن همروی نکند؛ آن قدرت با چنین ملتی دشمنی می‌ورزد و تمام تلاش و امکانات مادی و معنوی خود را برای سرکوب و به اطاعت در آوردن آن ملت بسیج می‌کند. دشمن ملت برای انجام اینکار، تدابیر مختلفی را به کار می بندد تا ملت سرکش را به زانو در آورد.

جنگ، یکی از تدابیر سخت‌افزارانه‌ای است که غالباً دشمن ملت در سر لوحه کار خود قرار می دهد. تدبیرِ سخت افزارانه‌ی دیگرِ دشمنِ ملت، تحریم است. او می‌کوشد تمام مجاری حیات اقتصادی ملت سرکش را مسدود سازد. تحریم، اقدامی به شدت تنبیهی است که تا مرز فلج کردن حیات اقتصادی و نابودی ملت سرکش پیش می‌رود. غایت تحریم، نابودی یا تمکین ملت سرکش برابر خواسته قدرت سلطه‌گر است.

بنابراین، زمینه‌های دشمنی و اتخاذ تدبیر جنگ تحمیلی و تحریم‌های فلج کننده، شکل‌گیری اراده خلاف آمد در یک ملت است. بطوری که از ملتی مطیع و همسو به ملتی سرکش و مستقل تبدیل می‌شود. اگر ملتی به اراده‌ای خلاف آمد و ضد سلطه رو نیاورد؛ اینگونه تدبیرات به شدت سرکوب‌گرانه هم در دستور کار قدرت سلطه‌گر قرار نمی‌گیرد. پیش از این، یک اراده حاکم بود و آن هم اراده قدرت سلطه‌گر است. اما حالا که ملت به اراده خود تشخص داده است و اراده سلطه‌پذیری را که خلاف مسیر اصلی هر ملت آزاده‌ای است، کنار گذاشته است؛ تکثر اراده‌های سیاسی شکل می‌گیرد البته با پدید آمدن عرصه اراده‌های متکثر، هیچ لزومی ندارد که در این عرصه، روابط مسالمت آمیز بر قرار نباشد. زیرا ملت سرکش، اراده جنگ با قدرت سلطه‌گر را ندارد و تنها خواسته‌اش آن است که تعیین سرنوشت و حق حاکمیتش را خود به دست گیرد و در نظام بین‌الملل بر پایه خرد جمعی و میراث عقیدتی و فرهنگی خود رفتار کند و از حقوق برابر برخوردار باشد. لکن طبیعی است که قدرت سلطه‌گر چنین اراده حداقلی را از هیچ ملتی بر نمی‌تابد و با آن دشمنی می‌ورزد. بنابراین، دشمنی در اینجا یک‌سویه است؛ یعنی دشمنی قدرت سلطه‌گر علیه ملت سرکش. قدرت سلطه‌گر می‌کوشد از طریق اشکال گوناگون دشمنی ورزیدن، اراده ملت نافرمان را تغییر دهد و مجدداً به مسیر فرمانبرداری بازگرداند. مسلماً مسیر فرمانبری، مسیر اصلی یک ملت آزاده و غیور و سرافراز نمی‌تواند باشد. بدین ترتیب، عرصه جدید اراده‌ها که می‌تواند مسالمت آمیز باشد، به عرصه منازعه آمیز اراده‌ها تبدیل می‌شود. چنانکه ولی فقیه از آن با عنوان «عرصه جنگ اراده‌ها» یاد کرده است.

تحمیل جنگ و تحریم‌های فلج کننده (به گفته دولت مردان آمریکا) علیه ملت سلطه‌ناپذیر یا سرکش تماماً به این منظور است که آن ملت اراده‌ی خود را تغییر دهد. در اینجا همه چیز وابسته به اراده‌ی ملت سرکش است. اثرگذاری سیاست تحریم وابسته به میزان تاب‌آوری آن ملت است.

برخی از ملت‌هایی که سرکش و نافرمان می‌شوند، درجه تاب آوری آنها برابر تحریم چندان زیاد نیست. لذا خیلی زود برابر قدرت سلطه‌گر تسلیم می‌شوند و اراده ملی‌شان از طرف و مسیر اصلی فاصله گرفته راه انحرافی را پیش می‌گیرند. البته برای این تغییر مسیر و کژتابی‌های یک ملت، دلایل زیادی را می‌توان بر شمرد. مسلماً ضعف مدیریت کارگزاری و نفوذ دشمن در کادر کارگزاری و ناتوانی در بسیج منابع و از همه مهم‌تر کم‌کاری نیروهای فکری-فرهنگی، از جمله روشنفکران و اصحاب رسانه، در تولید و تقویت روحیه مقاومت ملی برابر قدرت سلطه‌گر، از جمله عوامل شکست اراده‌ی ملی و جایگزینی روحیه تسلیم است. اما اگر درجه‌ی تاب آوری ملت سرکش و نافرمان به حدی بالا باشد که روحیه‌ی مقاومت در آن شکل گرفته است و همچنان، علیرغم تشدید تحریم‌های فلج کننده، قادر به ادامه‌ی حیات اقتصادی خود است؛ در چنین حالتی نشانه‌های شکست سیاست تحریم آشکار می‌شود.

هرگاه سیاست تحریم فرسایشی شود، میزان اثرگذاری آن هم کاسته می‌شود تا جایی که فرقی میان بود و نبود آن وجود ندارد. و همین امر، نگرانی‌های دشمن ملت را صد چندان می سازد. زیرا چنین نیست که سیاست تحریم فقط برای ملت سرکش هزینه بَر باشد بلکه دشمن ملت نیز برای پیگیری چنین سیاستی هزینه هنگفتی را متحمل می‌شود. او نیز مجبور به تحمل پاره‌ای از محرومیت های اقتصادی می‌شود و از همه مهم‌تر، نظام اقتصاد بین‌الملل را، لااقل در تعامل با ملت سرکش، مجبور به قرار گرفتن در وضع غیر طبیعی می‌کند و برای این منظور مجبور به تطمیع دولت‌ها و امتیاز دادن‌های ناخواسته می‌شود. لذا با فرسایشی شدن سیاست تحریم فلج کننده، نگرانی قدرت تحریم کننده از بی‌تأثیر شدن آن بیشتر و بیشتر خواهد شد. اینجاست که سیاست‌های نرم‌افزاری دشمن ملت، مانند کنش شایعه، دروغ پردازی، تهمت و افتراء و از همه مهم‌تر، نرم‌افزار تحریف بطور جدی‌تر در دستور کار دشمن ملت قرار می‌گیرد. البته دشمن ملت از این ابزارها پیش‌تر بهره برده است لکن در شرایط ناکارآمدی تحریم و بی‌اثر شدن آن، اهمیت کنش تحریف و دیگر ابزارهای وارونه گویی و وارونه سازی بیشتر می‌شود.

تمام غایت تحریف آن است که اراده ملت سرکش تغییر جهت بدهد. جریان تحریف دقیقاً اراده مقاومت ملی را نشانه رفته است. زیرا همین اراده و روحیه مقاومت ملی باعث خنثی شدن تأثیرات تحریم‌های فلج کننده شده است. پس، باید این چنین اراده‌ای مقهور شود تا پروژه‌ی تحریم فلج کننده به فرجام مأموریت خود دست یابد.

جریان تحریف، اهداف خود را به کوتاه مدت و دراز مدت یا به کمینه و بیشینه تفسیر می‌کند. کوتاهترین و کمینه‌ترین هدف جریان تحریف آن است که ملت از اراده مقاومت کناره‌گیری کند و نسبت به دستاوردهای آن احساس بیهودگی و بی ثمر بودن کند. جریان تحریف می‌کوشد چنین احساسی را در ملت سرکش و سلطه‌ناپذیر القاء کند و طبعاً در این راه از همه ابزارهای وارونه گویی استفاده خواهد کرد. دروغ و تهمت و شایعه و نسبت‌های ناروا را به شکلی گسترده در ذهنیت ملت منتشر می‌کند. اما هدف بلند مدت یا بیشینه هدف، آن است که اراده‌ی ملی به حالت سرسپردگی و سلطه‌پذیری گذشته باز گردد و از اراده پیشرفت و ترقی غیر وابسته کوتاه بیاید.

طبیعی است که اگر جریان تحریف در انجام این مأموریت موفق شود، پروژه تحریمِ فلج کننده از خطر فرسایشی شدن که مرگ تدریجی پروژه است، نجات پیدا می کند و به هدف نهایی خود که تسلیم اراده ملی برابر قدرت سلطه‌گر است، نزدیک خواهد شد. اما اگر جریان تحریف در کار خود شکست بخورد، قهری است که پروژه تحریم هم شکست می‌خورد. زیرا مسئله فرسایشی شدن به تدریج مانند خوره به جان آن می افتد و تار و پود آن را از هم می پوشاند و به مکانیسمی بی‌خاصیت تبدیل می‌شود. به همین خاطر، دشمن ملت تمام امیدش به موفقیت جریان تحریف است و برای این منظور، بیش از گذشته هزینه و وقت صرف می‌کند.

روحیه مقاومت ملت ایران

ملت ایران با سابقه‌ی کهن و درخشان در تمدن‌سازی، از یکصد و پنجاه سال گذشته به این سو؛ یعنی از اواسط حاکمیت قاجاریه و سپس سلطه‌ی مشروطه‌خواهان و بویژه در دوره سلطنت پهلوی، اراده اصلی خود را به عنوان ملتی مستقل و سرافراز کنار گذاشته بود و روحیه‌ی تسلیم و تحقیر و فرهنگ پیرو را جایگزین کرده بود. اما ناگهان نهیبی قدسی و آسمانی بر سر این ملت فرود آمد و او را بیدار ساخت و ملت به خود آمد و گفت این آن اراده ایرانی مقتدر و سرافراز نیست. ایران را چه به روحیه‌ی تسلیم و تحقیر و سلطه‌پذیری؟ اکنون که چهل و یک سال از آن واقعه‌ی شکوهمند تاریخی می‌گذرد، اراده‌ی ملت در مسیر مقاومت و تسلیم‌ناپذیری بسط پیدا کرده است. در طول این مدت، دشمن ملت ایران لحظه‌ای را برای شکستن این اراده و بازگشت به دوره پیشاانقلاب، رها نکرده است و حکایت این دشمنی و خصومت، چندین مجلد حجیم خواهد شد.

قطعاً عوامل بسیاری در رساندن ملت به جایی که بتواند به خود افتخار کند و در نظام بین‌الملل به اراده‌ی آزاد خود تشخص بدهد و آن را از اراده قدرت‌های سلطه‌گر تمایز دهد، نقش داشته‌اند و ثمره‌ی آنها، روحیه‌ی مقاومت مردم ایران است. بطوری که اکنون ملت ایران توانسته است مستند به روحیه مقاومت اسلامی که جوهره‌ی روح ایرانی است، پروژه تحریم فلج کننده را به حالت فرسایشی شدن در آورد. به همین خاطر، دشمن ملت ایران بسیار نگران شکست این پروژه است و برای نجات آن از شکست حتمی، جریان تحریف را با جدیت بیشتر حمایت و تقویت کرده است تا ملت ایران در کوتاه‌ترین هدف، از اراده مقاومت کناره‌گیری کنند و در بلند ترین هدف به ملتی سر به زیر و فرمانبر تبدیل شوند. بدین ترتیب، عرصه جنگ اراده ها بیش از پیش فعال شده است. دشمن ملت می کوشد از طریق زنجیره تحریم و جریان تحریف، اراده ملی مقاومت ایران را به تجدید نظر وا دارد و از سوی دیگر، ملت ایران می کوشد مستند به سرمایه های مادی و معنوی خود بر اراده مقاومت و سلطه ناپذیری همچون گذشته استوار و شکست ناپذیر باقی بماند. این وضعیت دقیقاً همان چیزی است که مقام معظم رهبری در سخنرانی روز عید قربان امسال بیان فرمودند: «من به شما بگویم که اگر جریان تحریف شکست بخورد، جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد؛ زیرا که عرصه، عرصه‌ی جنگ اراده‌ها است؛ وقتی جریان تحریف شکست خورد و اراده‌ی ملّت ایران همچنان قوی و مستحکم باقی ماند، قطعاً بر اراده‌ی دشمن فائق می‌آید و پیروز خواهد شد».

ولی فقیه در این سخنرانی با بیانی محکم و رسا، از اهداف تحریم های دشمن ملت ایران و تلازم میان تحریم و جریان تحریف و چگونگی مقاومت ملت ایران سخن گفته است. ایشان به خوبی نشان داده اند که چگونه در این جنگ اراده‌ها، روحیه‌ی مقاومت مردم ایران به مصاف با زنجیره تحریم و جریان تحریف رفته است و راه‌های پیروزی بر دشمن را توضیح داده است. از این رو، مطالعه چند باره این سخنرانی ارزشمند را به همه نیروهای انقلابی توصیه می‌کنیم.

یادداشتی از: حجت‌الاسلام والمسلمین داود مهدوی زادگان

https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=46240